

روش‌های تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با متخلفان غزوه احد و تبوک*

□ مریم رضایی**

□ علییه رضاداد***

چکیده

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مربی و اسوه جاودان بشریت، برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست و شیوه تربیتی ایشان یکی از مهمترین منابع برای فقه تربیتی محسوب می‌شود. یکی از مسائلی که می‌توان در حوزه تربیت از ایشان الگوبرگرفته کرد، نحوه تعامل و برخورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با متخلفان است. از مهمترین موقعیت‌ها در طول زندگانی نبی مکرم اسلام، غزوه‌های احد و تبوک بوده است. از آنجایی که تعامل صحیح با افراد متخلف در هدایت این افراد تأثیر ویژه‌ای دارد، لازم است صحیح‌ترین روش‌های برخورد با این افراد را به کار بست؛ این پژوهش با روش تحلیلی توصیفی و با محوریت منابع تفسیری انجام می‌گیرد؛ آنچه در نتیجه این پژوهش می‌توان گفت این است که مهمترین اصل در برخورد با متخلفان اصل مداراست که در روش‌های تربیتی تغافل و عفو و گذشت، نمود یافته است. اما به کارگیری این اصل در برخی موارد ممنوع بوده و لازم است از روش‌های انذار و تحویف و تنبیه، استفاده شود. واژگان کلیدی: سیره، رفق و مدارا، تغافل، عفو و گذشت، تنبیه.

۱. مقدمه

جایگاه رهبری در ساختار نظام اسلامی، جایگاهی برجسته به شمار می‌آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله،

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۶/۱۲؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴.

** گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، واحد خواران، مشهد، ایران:

(maryamrezaie1543@gmail.com)

*** گروه آموزش معارف اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): (a.rezadad@cfu.ac.ir)

در دوران رسالت خویش، حکومت اسلامی تأسیس نمود و در کنار هدایت معنوی مسلمانان، به هدایت امور دنیوی ایشان و مدیریت نظام جامعه نیز، پرداخت. یکی از مسائلی که قرآن کریم به آن اهمیت خاصی داده، وظیفه جامعه اسلامی نسبت به پیامبر گرامی اسلام ﷺ است؛ قرآن برای رسول خدا ﷺ، حق اطاعت قائل شده است: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء: ۸۰)؛ پیامبر اکرم ﷺ، در قلمرو اطاعت، فقط به عنوان پیام‌رسان و گزارشگر وحی نیست، بلکه به عنوان رهبر جامعه اسلامی است و مدیر کلیه شئون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دینی به شمار می‌رود. از این رو، توجه به جایگاه سیاسی و عملکرد پیامبر اکرم ﷺ، در دوران رسالت خویش و همچنین نحوه برخورد ایشان با جامعه مسلمین، به ویژه در زمانی که جامعه دچار انحرافات می‌گشت، ضروری است.

واژه «تخلف» در قرآن کریم (توبه: ۱۲۰؛ نور: ۶۳)، در راستای مخالفت با اوامر رسول خدا ﷺ، در مواقع بحرانی جامعه اسلامی، نمودی وافر دارد. بارها در طول دوران رسالت پیامبر اکرم ﷺ، عناصر خودی و غیرخودی جامعه اسلامی، از فرامین رسول خدا ﷺ، سرپیچی کرده‌اند و با تخلفات خویش، جامعه اسلامی را در شرایط بحرانی وانهاده‌اند. از مهمترین نمودهای این تخلفات، تخلفات برخی مسلمانان در دو جنگ احد و تبوک است. این دو جنگ که از بزرگترین بحران‌های جامعه اسلامی، در طول دوران رسالت پیامبر اکرم ﷺ است، در شرایط زمانی متفاوتی رخ داده است؛ جنگ احد در سال دوم و در ابتدای دوره شکل‌گیری حکومت اسلامی است و جنگ تبوک، در سال‌های پایانی این دوره، در سال نهم هجری صورت پذیرفت. هر دو جنگ علی‌رغم اهمیت بسیار، با تخلفات فراوان مسلمانان همراه بود و قرآن کریم به تفصیل، در سوره‌های آل عمران و توبه بدین مسأله پرداخته است و مطالعه تفسیری آیات با رویکرد تربیتی می‌تواند در این زمینه راهگشای محققان باشد. با نگاهی به تاریخ صدر اسلام روشن می‌شود که اسلام، اگرچه دین رحمت و اخلاق است، اما به مسلمانان اجازه سکوت در برابر ظالمان و افرادی که در صدد ضربه زدن به نظام اسلامی هستند را، نمی‌دهد. از این رو، در دوران رسالت پیامبر اکرم ﷺ، جنگ‌هایی به وقوع پیوسته و مسلمانان، وظیفه جهاد در این جنگ‌ها را داشته‌اند. حال اگر کسی، در شرایط بحرانی جنگ، از دفاع در برابر اسلام و

شرکت در جبهه نبرد سرباز می‌زد و کارشکنی می‌کرد، مسلمانان و حکومت اسلامی و به ویژه شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر او چه موضعی را اتخاذ می‌کردند؟ سؤال اصلی این پژوهش، این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در مواجهه با تخلفات عناصر جامعه اسلامی در بحران غزوه‌های احد و تبوک، در چه موضعی از اصل مدارا بهره‌جسته و چه روش‌های تربیتی را به کار بسته است؟ اهمیت پرداختن به این مسأله، از آن‌روست که موضوعات مرتبط با مجازات‌ها و احکام فقهی، نه فقط از جنبه شرعی، بلکه از جهت ساز و کارهای تربیتی نیز، قابل توجه است. نظام تربیت اسلامی در جامعه، به دلیل شرایط و اقتضات متفاوتی که دارد، نیازمند به‌کارگیری روش‌های متفاوت است تا هدف اصلی تربیت اسلامی که رشد و تعالی انسان در مسیر الهی است، تحقق یابد. از این رو، عمده روش‌های به‌کارگرفته در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ماهیت توحیدی دارد تا رابطه عبد و رب اصلاح گردد. باید توجه داشت، جامعه اسلامی نه فقط در آن زمان، بلکه پس از آن تا امروز، با عناصر متخلف در شرایط بحرانی جامعه روبه‌روست و تخلفات افراد از دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در واقع سرپیچی از اوامر الهی است، بنابراین، تأثیرات سوء این متخلفان بر جامعه بحران‌زده، امری بدیهی است که بر خوردی شایسته و درخور می‌طلبد تا اصلاح پذیرند و سیره تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در نظام تربیتی اسلام، مهمترین منبع برای تبیین اصول برخورد با متخلفان از منظر فقه تربیتی است تا شیوه اصلاح رفتار متخلفان در برابر اوامر الهی، آموزش داده شود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با این موضوع، عبارتند از:

جعفر نژاد، صدری و باقری (۱۴۰۱)، در مقاله «شیوه برخورد پیامبر به عنوان الگوی تربیتی در برابر خطا» نشان دادند، موفق‌ترین روش اصلاحی، یادگیری الگویی است و پیامبر صلی الله علیه و آله، با اتصال به کانون الهی و تحت نظارت وحی، به عنوان نیکوترین الگو، بهترین روشها در مواجهه با خطا داشته‌اند؛ اصلاح تصور خطا، مقدم بر اصلاح عمل خطاست؛ بهره‌گیری از افکار عمومی برای تصحیح اشتباهات و خطاها و توجه به اثر اصلاح خطا و تسامح با خطاکار نام‌ورفع سوء پیشینه از او، از جمله یافته‌های این پژوهش است.

اعرافی، موسوی و کاظمی (۱۴۰۱)، در مقاله «تبیین اصل رفق و مدارا و بررسی مفاهیم مرتبط با آن در نظام تعلیم و تربیت اسلامی» به این نتیجه دست یافتند که رعایت رفق و مدارا در مقام تربیت، رجحان مطلق دارد و ترک رفق و مدارا و به کارگیری تحمیل و خشونت در تربیت، مرجوح است. همچنین در بررسی نسبت مفاهیم مشابه و متضاد، به این نتیجه رسیدند که نسبت مفاهیمی چون تساهل و تسامح و مراتب متوسط و شدید الزام، با مفهوم رفق و مدارا، متباین است و به کارگیری چنین روش‌هایی، جایز نیست.

سلامی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی شیوه برخورد پیامبر با منافقین»، موضع اصلی پیامبر ﷺ را، در عفو و مدارا می‌داند؛ اما در مواضعی نیز، از این شیوه بهره نگرفته‌اند. دولتی (۱۳۹۳)، در پایان نامه‌ای با عنوان «اخلاق زمامداری پیامبر در برابر برخورد با مخالفین»، به تبیین اخلاق زمامداری پیامبر اکرم ﷺ، با اقرار مختلف جامعه آن زمان از جمله با کفار، یهود، منافقین و دولت‌های بزرگ می‌پردازد.

عباسی مقدم (۱۳۸۹)، در مقاله «روش شناسی برخورد پیامبر ﷺ با مشرکان و اهل کتاب»، به این نتیجه دست یافت که مهمترین شیوه پیامبر اکرم ﷺ نرم‌خویی و دعوت به مشترکات و عقد پیمان بوده است.

دانش (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «رسول خدا ﷺ و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق» به تبیین شیوه رفتاری پیامبر ﷺ با منافقان، به عنوان یک پدیده روانی و اجتماعی می‌پردازد. رزاقی موسوی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان «مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی»، به بررسی مخالفان با پیامبر اکرم و نحوه برخورد پیامبر با آن‌ها پرداخته و اصل رحمت، محبت و شفقت را رویکرد اصلی پیامبر ﷺ، معرفی می‌نماید؛ البته تا جایی که به اصل دین و هدایت مردم آسیبی وارد نشود. تفاوت این پژوهش با دیگر پژوهش‌های مرتبط از این منظر است که پژوهش‌های دیگر عمدتاً در برابر رفتارهای مخالفان مسلمان و غیر مسلمان در امور غیر فقهی است؛ اما این مقاله با رویکرد پیامبر اکرم ﷺ در برابر متخلفان از دستور صریح برای جهاد نگاشته شده و حاوی نکات تربیتی در فقه السیره می‌باشد که به مفهوم کشف احکام و معارف اسلامی و نکات تربیتی، از رفتار و سلوک پیامبر اسلام ﷺ، به صورت کاربردی است (جعفری، ۱۳۸۹: ۷).

۳. روش تحقیق

این پژوهش با روش تحلیلی- توصیفی انجام می‌گیرد و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. بنابراین نخست به گردآوری آیات پیرامون موضوع پرداخته و سپس با استناد به آیات قرآن کریم و گزارشات تاریخی و مسائل تربیتی، به بررسی ابعاد تخلفات در این دو وضعیت بحرانی (غزوه احد و غزوه تبوک) می‌پردازد و نحوه تعامل تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با عناصر متخلف در شرایط بحرانی جامعه اسلامی را بیان نموده و معلوم می‌سازد از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، چه روش‌هایی را می‌توان استنباط کرد.

۴. مفهوم روش تربیتی

روش (method) در لغت به معنای قاعده، قانون، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و منوال آمده است (دهخدا، مدخل روش) و در اصطلاح، شیوه بروز عمل یا فعالیت است که به منظور تاثیرگذاری بر متربی، از مربی صادر می‌شود. روش تربیتی در تعلیم و تربیت، شیوه بروز عمل یا فعالیت است که به منظور تاثیرگذاری بر متربی، از مربی صادر می‌شود (قائمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۳). تفاوت بین اصل و روش تربیتی در این است که اصل کیفیت و چگونگی عمل و رفتار تربیتی مربی است؛ در حالی که روش، خود رفتار تربیتی مربی در مقام تربیت است که بروز و ظهور خارجی دارد (اعرافی، ۱۳۹۵: ۲۲). انتخاب روش تربیتی درست و صحیح آن‌قدر اهمیت دارد که اگر انتخاب صحیحی صورت نگیرد، می‌تواند باعث گمراهی و شقاوت متربی شود. منظور ما از روش‌های تربیتی، آن رفتارها و حالت‌هایی است که قرآن در مقام هدایت و تربیت انسان‌ها، آن‌ها را به خداوند نسبت می‌دهد و پیامبران را به عنوان مربیان برای به‌کارگیری آن دعوت می‌نماید، یا از چگونگی رفتار و برخورد پیامبران با مخاطبان خود گزارش می‌دهد (قائمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۶)؛ زیرا، اگرچه امروزه مکاتب مختلف تربیتی، مبتنی بر تجربیات صاحب نظران به تبیین نظام‌های تربیتی پرداخته‌اند، اما تربیت حقیقی علاوه بر تجربه، حواس و عقل، به منابع معتبر دینی چون کتاب و سنت نیز، نیازمند است (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۳۷) و مهم‌ترین منبع برای تدوین احکام تربیت، محور قراردادن منابع مستند فقهی به خصوص قرآن و حدیث است.

۵. یافته‌ها

به طور کلی مستندات سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در برخورد با متخلفان غزوه‌های احد و تبوک را می‌توان در قالب اصل رفق و مدارا و چندین روش تربیتی - که در ادامه می‌آید - قابل تجزیه و تحلیل است:

۵-۱. اصل رفق و مدارا مهمترین اصل در برخورد با متخلفان

واژه رفق معادل ملاحظت، مهربانی و ملایمت با دیگری و در تقابل با خشونت و تندی استعمال شده است (ابن فارس، ۱۳۸۷: ذیل رفق). این واژه، معادل «مداراة» در زبان عربی است که از ماده «دَرَّ» اخذ شده و به معنای دفع است. مداراة به معنای مدافعه است. اما مداراة، در حسن خُلق و معاشرت، به معنای نوعی پرهیز همراه ملایمت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/۲۵۵). خداوند در قرآن، با واژه «لین»، به رفق و مدارا اشاره کرده است؛ «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِيُنْذِرَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران: ۱۵۹). در این آیه، رفق و مدارای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ناشی از رحمت پروردگار بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مایه اجتماع مردم بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شمرده شده است. مدارا به عنوان يك اصل، همواره مورد توجه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. ایشان با وجود خیانت‌ها و تحریکات فراوان منافقان، در برابر آنان، سیاست مدارا را در پیش گرفت و در عین کنترل اوضاع بر آنان، از سختگیری و خشونت اجتناب می‌کرد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در روایتی می‌فرماید: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ» یعنی پروردگارم مرا به مدارا با مردم دستور داده، چنان که به انجام واجبات دستور داده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۷/۲) و در آیه ۷۳ سوره توبه خداوند خطاب به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ». در واقع، این دستور خداوند برای جهاد و سختگیری، متوجه کسانی است که به مدارا و نرمش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بی‌اعتنایی کرده و از آن استفاده نکردند. در عین حال مواردی نظیر پذیرش عذرخواهی منافقان، مدارا در عین برخورد مدبرانه با تحریکات منافقان و نادیده گرفتن آزار منافقان به صورت آشکار، بر مدارای آن حضرت با منافقان دلالت دارد (قطب، ۱۴۱۲: ۱۶۷/۳).

بنابراین، به طور کلی در برخورد با متخلفان در غزوه‌های احد و تبوک، اصل رفق و مدارا به عنوان مهمترین محور برخورد با متخلفان دیده می‌شود؛ اما در مواردی رجحان به کار بستن مدارا اولویت دارد و در مواردی، ترک مدارا اولی است که در ادامه، ذیل روش‌های تربیتی و تحلیل آنها مطرح می‌گردد.

۵-۲. روش‌های تربیتی در برخورد با متخلفان

به طور کلی، اصل تربیتی دستورالعمل کلی است که با در دست داشتن آن می‌توان در مواجهه با شرایط جدید، روش‌های تربیتی مناسب را اتخاذ کرد. بنابراین، روش‌های تربیتی، دستورالعمل‌های جزئی‌تر است که بنابر اصل تربیتی در موقعیت‌های مختلف ابداع می‌گردد (باقری، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۵). در بررسی سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غزوه احد و تبوک، اصل کلی بر مداراست و از آن روش‌های تربیتی نظیر تغافل، عفو و گذشت، انذار و تحویف و تنبیه اتخاذ می‌گردد که در ادامه بررسی می‌شود.

۵-۲-۱. روش تربیتی تغافل

تغافل در لغت، یعنی خود را به غفلت زدن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۹۸) و در اصطلاح یعنی انسان چیزی را بداند و از آن آگاه باشد، ولی با اراده و عمد، خود را غافل نشان دهد و وانمود کند که از آن آگاه نیست (فلسفی، ۱۳۶۷: ۴۰۳). روش تغافل، از فروع اصل عزت است و عزت، بر مبنای کرامت انسانی است. با توجه به کرامت ذاتی انسان، باید توجه داشت که انسان، همیشه باید عزیز شمرده شود، به گونه‌ای که عزت نفسش خدشه‌دار نشود.

به طور کلی، بهره‌گیری از روش تغافل که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به عنوان مربی در برابر متخلفان احد و تبوک، به کار بستند، نه در آن موقعیت، بلکه عموم مسایل اجتماعی و خانوادگی و... کارایی دارد؛ چون روش تغافل، بر پایه کرامت انسانی است و در همه انسان‌ها حب ذات وجود دارد و همه مایلند دیگران آنها را بپذیرند و گرامی بدانند. در واقع در روش تغافل، مربی با حفظ شخصیت و عزت متربی، تلاش می‌کند تا انجام کار خطا در نظر متربی، تبدیل به یک رفتار عادی نشود و ضعف‌های او را، بخاطر حفظ عزت او پنهان نماید. تغافل را می‌توان به «اصاله

الصحة» در اصول فقه اسلامی نیز، ملحق دانست. اصل صحت، بدان معنی است که عمل فرد مسلمان درست و رواست و اگر احتمال نادرستی و ناروایی در آن رود، نباید به چنین احتمالی اعتنا کرد (باقری، ۱۳۸۴: ۱۳۶). بر این اساس، هرگاه عملی و رفتاری را شاهد بودیم که تأمل برانگیز بود، باید آن را به نحو مطلوبی توجیه کنیم، مگر آنکه شواهد به حدی برسد که راه هرگونه توجیه موجهی بسته شود. آنگاه که برای مربی یقین حاصل گشت که متربی خطا کرده است، زمان تغافل فرا می‌رسد تا عزت فرد خاطی، با تغافل از خطای او حفظ شود (باقری، ۱۳۸۴: ۱۳۶).
به عنوان نمونه خداوند در سوره توبه می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُوبِنَا حَيْرِيٌّ لَكُمْ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (توبه: ۶۱).

شان نزول آیه نشان می‌دهد که درباره گروهی از منافقان نازل شده، که دور هم نشسته بودند و سخنانی ناهنجار، درباره پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گفتند، یکی از آنان گفت: این کار را نکنید، زیرا می‌ترسیم به گوش محمد برسد و او به ما بد بگوید (و مردم را بر ضد ما بشوراند). یکی از آنان گفت: مهم نیست، ما هر چه بخواهیم می‌گوییم و اگر به گوش او رسید نزد وی می‌رویم و انکار می‌کنیم و او از ما می‌پذیرد، زیرا محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوش‌باور است و هر کس هر چه بگوید قبول می‌کند، در این هنگام آیه فوق نازل شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۱۴).

مطابق شأن نزول آیه، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنقدر در پذیرش عذر تراشی‌های منافقینی که به ظاهر مؤمن بودند، پیش رفت که آنها وی را به طعنه، گوش شنوا و خوش‌باور خواندند. خداوند در پاسخ آنان می‌فرماید: گوش شنوا بودن پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به حال شما بهتر است. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، با روش تربیتی تغافل، سعی کردند زمینه توبه این‌گونه افراد را فراهم کنند تا از گناهان خود بازگشت کنند؛ چون آدمی به آسانی و به سرعت نمی‌تواند به خطاها و اشتباهات خود پی ببرد، بلکه لازم است با شیوه‌ای بسیار لطیف و با روشی بسیار ملایم و دقیق، او را به قله آگاهی رساند و زمینه توبه او را فراهم آورد؛ چنانکه در قرآن کریم خداوند متعال توصیه فرموده که از خطاهای دیگران چشم‌پوشی کنید، بلکه خطای آنان را نادیده بگیرید: «...وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور: ۲۲).

در مراجعت از غزوه تبوک، جمعیتی از منافقین، به قصد نابودی پیامبر، توطئه کردند تا هنگام عبور آن حضرت از گردنه‌ای، مرکب‌اش را رم بدهند تا در پرتگاه سقوط کند. حضرت همه آنها را شناخت؛ اما تا آخر عمر شریف خود، اسم آنها را فاش نکرد و مجازاتشان ننمود. استفاده از این روش تربیتی از سوی پیامبر اکرم ﷺ، به سبب حفظ کرامت این افراد است. در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ، نقل شده که فرمودند: «من اگر بخواهم، نام می‌برم و اگر بخواهم، می‌توانم به خودشان اشاره کنم و اگر بخواهم، توانا هستم شما را به آنها راهنمایی کنم، ولی من از باب کرامت نهادن این کار را نمی‌کنم و خداوند نیز، از من راضی نخواهد شد، جز اینکه وظیفه تبلیغی‌ام را انجام دهم» (سیوطی، ۱۹۹۳: ۲۴۳/۴).

۵-۲-۲. روش تربیتی عفو و گذشت

واژه عفو و مشتقات آن «عَفَا» (بقره: ۱۸۷)، «عَفُوًّا» (نسا: ۴۳)، «الْعَافِيْنَ» (آل عمران: ۱۳۴)، «عَفَوْنَا» (نسا: ۱۵۳) و ... سی و شش بار در قرآن به کار رفته است. این واژه در لغت، دارای دو اصل و ریشه معنایی است که یکی به معنای ترک و دیگری به معنای طلب است (ابن فارس، ۱۳۸۷: ذیل عفو). پس عفو، به معنای رها کردن و عذاب نکردن کسی است که مستحق عقاب و عذاب است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰: ۲/۲۵۸). عفو در قرآن نیز، به معانی مختلفی دانسته شده است. طریحی «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ ...» (بقره: ۵۲) را به معنای «محونا عنکم ذنوبکم»، نادیده گرفتن گناهان معنا کرده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۲۹۹). راغب اصفهانی، عفو را به معنای ترک مجازات و عقوبت می‌داند، هر چند به نظر وی "عفا" ابتدا به معنای متوجه شدن به کسی برای گرفتن آنچه نزد اوست، آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۴).

تفاوت روش عفو و تغافل در این است که در روش تغافل، گویا مربی از خطای متربی اصلا آگاهی نیافته است؛ اما در روش عفو، مربی از خطای متربی آگاه شده و حال از عقوبت خطای او در می‌گذرد.

باید توجه داشت در روش عفو گذشت، بر پایه اصل فضل و رحمت است و به مقتضای آن، رفتار مربی در قید رفتار متربی نیست، بلکه بر پایه اصالت رحمت ابراز می‌شود. طبق این

اصل، روش‌های تربیت بر فضل و رحمتی از سوی مربی، مبتنی خواهد بود (باقری، ۱۳۸۴: ۱۱۵). فضل، رابطه‌ای بر عدم موازنه است؛ عدم موازنه‌ای فراتر از عدل. هرگاه رابطه‌ی موازنه برقرار باشد، آن را عدل می‌گوییم و هر گاه از این میزان فاصله گرفته به فراتر از آن برویم، به فضل روی آورده‌ایم. اصل فضل، حاکی از آن است که در رابطه‌ی تربیتی، باید عدم موازنه را الگو قرار داد. خداوند خود در مقام تربیت به وفور، به فضل رفتار می‌کند و اساساً فضل و رحمت را بر خود واجب گردانیده است: «كَتَبَ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (انعام: ۱۲) و در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَفْضُتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۴). رحمت و مهربانی رسول خدا ﷺ، با سپاهیان خود، در نبرد احد و در پی زخم‌هایی که بر جان ارتش اسلام نشسته بود نیز، خود را نشان داد؛ تا آنجا که آن حضرت، هیچ کس را سرزنش نکرد و نخواست سربازان را به سبب اشتباهاتی که از ناحیه آنان صورت گرفته، مورد محاکمه قرار دهد؛ بلکه همه تلاش او در میدان جنگ بر این بود که سربازان خود را، دوباره به صحنه برگرداند و وضعیت را به حال نخست درآورد تا مسلمانان پایداری کنند و اجازه ندهند در مقابل هجوم دشمن کشته شوند. بنابراین، رسول خدا ﷺ، سربازان خود را مورد عفو قرار داد تا غرور و قدرت آنان همچنان برای آینده بر جای بماند؛ حتی رسول اکرم ﷺ به عفو آنان بسنده نکرد، بلکه از خداوند برای ایشان مغفرت طلبید. رحمت و مهربانی آن حضرت، همچنین خود را در برخورد با شهدا نشان داد؛ چرا که رسول خدا فرمان داد پیکرهای آنان، به جای اینکه به سوی خانواده‌هایشان برگردانده شود، در همان مکان دفن گردد (ابوزهره، ۱۳۷۳: ۵۳۶).

رسول خدا ﷺ، پس از آگاهی از سخنان نفاق افکنانه عبدالله ابن ابی در بازگشت از غزوه بنی مصطلق و افشای سخنان او پس از نزول سوره منافقون، در پاسخ به پسر او که از پیامبر اکرم ﷺ خواست در صورت قصد قتل عبدالله ابن ابی، این کار را به او بسپارد خدا فرمود: با او مدارا خواهیم کرد، تا زمانی که در میان ما بماند، با او جز به نیکی رفتار نخواهد شد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴۴/۲).

۵-۲-۳. روش انذار و تخویف

یکی دیگر از روش‌های تربیتی پیامبر اکرم ﷺ در هدایت و تربیت، روش «انذار» و

«تخویف» است. انذار به معنی خبر دادن توأم با ترساندن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۷، طریحی، ۱۳۷۵: ۳/ ۴۹۰). این روش تربیتی، بر اساس اصل عدالت است. طبق اصل عدل، خداوند آدمیان را به سبب بدکرداری، دچار مجازات و عذاب می‌سازد، اما مقتضای عدل آن است که پیش از وقوع مجازات، آگاهی کافی نسبت به آن ایجاد شود، زیرا کسی حقیقتاً قابل مجازات است که عالماً و عامداً، تخطی کند؛ پس اگر در اثر نسیان و فراموشی تخطی ورزد، مستحق مجازات نخواهد بود و لذا مجازات او از عدل به دور است. آنچه این آگاهی را ایجاد می‌کند، همین انذار و ترساندن از پیامد رفتار است (باقری، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

به طور کلی در نظام تربیت اسلامی، اصل اولیه به کارگیری زبان نرم و تبشیر است؛ اما در جایی که زمینه‌های ملایمت وجود نداشته باشد، زبان انذار برای ایجاد بینش و درک مصالح جامعه ضروری است.

در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز، اصل عدالت و حق محوری در مورد همه افراد حتی دشمنان ایشان، به چشم می‌خورد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ‌گاه دشمنی‌ها را اصل در رفتار خویش، قرار نمی‌دادند. قرآن مجید خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «... وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...» (مانده: ۸) یا در آیهی دیگر درباره کفاری که رفتار خصمانه‌ای با مسلمانان نداشته‌اند آمده است: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸).

بنابراین، این روش تربیتی در آیات قرآن، مورد توجه قرار گرفته (مانند: فاطر: ۳۷؛ حج: ۴۹؛ شعرا: ۲۰۷)، و اساساً قرآن به عنوان انذارگری برای بشر معرفی و نام‌گذاری شده است (نذیراً لِلْبَشَرِ: پند و اندرز آدمیان است) (مدثر: ۳۶). لذا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز که بازگوکنندهی قرآن به مردم است، انذارگر (نذیر) نامیده شده است: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (حج: ۴۹).

در فرهنگ قرآنی، «انذار» تهدید به عقوبتی است که بر معصیت و نافرمانی خدا مترتب است؛ اگر فردی از دستورهای خدا سرپیچی کرده، واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب شود، به چنین عاقبتی دچار خواهد شد (قائمی مقدم، ۱۳۹۴: ۵۴). انذار در قرآن، گاهی به صورت کلی

است و به اصل وجود عقاب اشاره دارد و انسان‌ها را از آن برحذر می‌دارد: «... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره: ۱۹۶). و گاهی با صراحت، از عذاب قطعی مجرمان سخن گفته و به صورت غیر مستقیم مخاطب را انذار می‌کند و می‌ترساند: «إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ» (زخرف: ۷۴) و گاهی به صورت مشروط بر این عقاب تأکید دارد: هر کس به عنوان "مجرم" در محضر پروردگارش حاضر شود آتش دوزخ برای او است، که نه در آن می‌میرد و نه زنده می‌شود! (طه: ۷۴).

همچنین، گاهی با بیان عقاب و عذاب اخروی این انذار تحقق می‌یابد، مانند آیاتی که ذکر شد، و زمانی با بیان سرانجام شوم عاصیان و مجرمان در همین دنیا، صورت می‌گیرد؛ به عنوان نمونه، قرآن درباره کسانی که به جهاد نمی‌روند و سستی می‌ورزند هم تهدید به عذاب دنیایی، کرده است و هم تهدید به عذاب اخروی؛ چنانکه می‌فرماید: «إِلَّا تَتَّقُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَصُرُّوهُ سُنُبًا وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (توبه: ۳۹). خداوند در این آیه و آیه قبل، کسانی را که به جهاد نمی‌روند، عتابی شدید و تهدید سخت می‌کند و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما را چه شده وقتی که پیامبر اکرم ﷺ به شما می‌گوید برای جهاد بیرون شوید، تثاقل و کندی می‌کنید، مثل اینکه دلتان نمی‌خواهد به جهاد بروید، مگر از زندگی آخرت به زندگی دنیا قناعت کرده‌اید؟ اگر چنین باشد، زندگی دنیا نسبت به زندگی آخرت، جز يك زندگی پست و اندکی نیست. اگر کوچ نکنید، خداوند به عذاب دردناکی عذابتان داده و گروهی غیر از شما می‌آورد، و شما (با تخلف خود) به او ضرر نمی‌زنید، و او بر هر چیزی توانا است». در این آیه به دو چیز تهدید می‌کند که عبارتند از: تهدید به "عذاب الیم" و تهدید به "از صحنه خارج کردن قوم سرباز زده از فرمان الهی و آوردن قوم جدید"؛ پس با روش انذار به دنبال آن است تا کسانی را که از جهاد سرباز زدند، تربیت و اصلاح کند؛ چون آدمی به گونه‌ای سرشته شده که با گذشت زمان بسیاری از مسائل را فراموش می‌کند، پیامبر اکرم ﷺ با تذکر دادن به متخلفان، آن‌ها را از عواقب کارهایشان برحذر می‌داشت. پس نیاز است مربی به اقتضای شرایط متربیان، از شیوه انذار، برای تربیت استفاده کند.

۵-۲-۴. روش تنبیه

«تنبیه»، از باب تفعیل و از ماده "نبه" به معنای برخاستن و بیدار شدن از خواب است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۴۶/۱۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۶۳/۶). پس تنبیه به معنای آگاهی دادن و بیدارکردن است و در اصطلاح عبارت از مجازات انسانی که کار ناپسندی را انجام داده، به منظور ترک نمودن و جلوگیری از تکرار است (امینی، ۱۳۸۷: ۱۴۱/۲).

قرآن کریم یکی از ابزارهای بازدارنده از رفتار عنادورزانه نسبت به اوامر پروردگار را، تنبیه به انواع مختلف آن، اعم از دنیوی و اخروی، معرفی می‌نماید و در آیات مختلف به این موضوع اشاره می‌کند. البته بر اساس سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در خصوص شیوه تنبیه، اگر فرد متوجه اشتباه و خطای خود شده و توبه نمود، باید او را با مهر و لطف مورد پذیرش قرار داد.

برخی از آیات قرآن، تنبیه را برای تأدیب و تربیت و اصلاح رفتارهای غیر قابل پذیرش توصیه می‌نماید، به عنوان مثال، خداوند در جنگ تبوک آن سه نفر مسلمانی که از فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرپیچی کرده و سستی و تنبلی نمودند و به جهاد نرفتند، بعد از برگشتن سپاه از تبوک، به نوعی خاص تنبیه کرد؛ به این صورت که به همگان توصیه نمود با این سه نفر قهر کنند تا اصلاح شوند. خداوند در آیه ۱۱۸ توبه، به روش تنبیه و اصلاح آن سه نفر، اشاره کرده است: «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (توبه: ۱۱۸).

در شأن نزول این آیه آمده است که آن سه مسلمان متخلف که بدون هیچ عذری از جهاد سرباز زدند، پس از جنگ، به نزد پیامبر آمدند و عذرخواهی کردند، اما ایشان حتی يك جمله با آنها سخن نگفت و به مسلمانان نیز، دستور داد که هیچ کس با آنها سخن نگوید. آن‌ها در محاصره اجتماعی قرار گرفتند و حتی زنان و فرزندان آن‌ها خواستند که از آن‌ها جدا شوند، ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه این کار را ندادند و دستور داد به آن‌ها نزدیک نشوند. با این روش، وضعیتی برای آن‌ها ایجاد شد که عرصه زندگی در مدینه چنان برای آنان تنگ شد و تصمیم گرفتند به قله‌های اطراف مدینه بروند. بستگان آن‌ها برایشان غذا می‌آوردند، اما حتی يك کلمه با آنها سخن نمی‌گفتند. مدتی گذشت و منتظر قبول توبه خود بودند، ولی خبری نبود و سرانجام

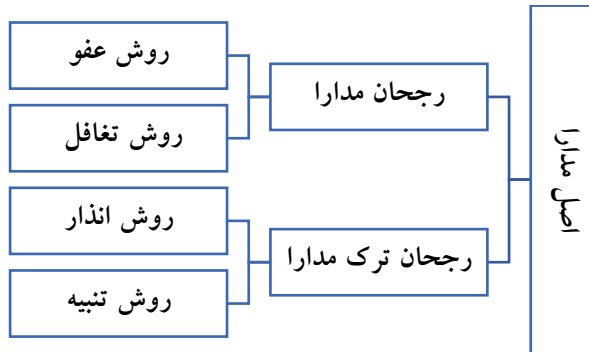
تصمیم گرفتند که با خودشان هم قطع رابطه کنند و حتی یک کلمه با یکدیگر سخن نمی گفتند و به این ترتیب پس از پنجاه روز توبه و تضرع به پیشگاه خداوند، توبه آنان پذیرفته شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۰/۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۰/۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۱: ۲۲۱/۱۰؛ یشربی، ۱۳۸۷: ۱۲۷۱/۳).

مشابه این جریان، برخورد پیامبر اکرم ﷺ با کسانی بود که از شرکت در غزوه احد خودداری کرده بودند. به این ترتیب که پس از بازگشت مسلمانان از این پیکار، آنان شیعی را در خانه‌های خود گذراندند و فردای آن روز پس از نماز صبح، پیامبر اکرم ﷺ به بلال فرمود تا مردم را برای تعقیب دشمن فراخواند و چنین مقرر کرد، جز آنان که دیروز همراه لشکر در جنگ بوده‌اند، کسی حق همراهی با آنان را ندارد، مشخص است که از جمله اهداف پیامبر اکرم ﷺ، تنبیه آنانی بود که از یاری آن حضرت خودداری کرده بودند تا جایگاهی در جامعه و مسئولیتی نزد مردمان نداشته باشد و این تنگنای روانی، از یک سو آنان را بیدار کرده و اصلاح کند و از سوی دیگر، هشدار باشد (ابوزهره، ۱۳۷۳: ۳۰۷).

۶. نتیجه گیری

در ارزیابی روش‌های تربیتی برخورد پیامبر اکرم ﷺ با متخلفان، به طور کلی اصل مدارا، مهمترین اصل است. از جمله آثار تربیتی بهره‌گیری از اصل رفق و مدارا، تاثیرگذاری و نفوذ در دل‌هاست. مربی برای آنکه بتواند متر بیان را با خود همراه سازد و به اهداف والای خود دست یابد و نیز، زمینه بروز بسیاری از مشکلات را سدّ نماید، نخست باید در دل‌های آنها نفوذ کند و این، جز با رفتار نرم و مدارا به دست نمی‌آید. البته باید توجه داشت که رعایت رفق و مدارا در رفتار همیشه نیست و همان‌طور که در سیره پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز، مشاهده می‌گردد، رفق و مدارا در برخی شرایط مجاز نیست و چه بسا شدت و سرسختی جایگزین آن می‌گردد. یکی از دلایلی که می‌توان برای عملکرد متناسب با شرایط در نظر گرفت که گاه به صورت مدارا و گاه به صورت شدت و سرسختی خود را نشان می‌دهد؛ ملاحظه وضعیت روحیات و شرایط متفاوت تربیتی است به نحوی که اگر مربی همواره به صورت یکسان با مدارا عمل نماید، چه بسا زمینه سوء استفاده تربیتی و سبب جرأت و رزی تربیتی در رفتار ناسازگارانه یا سستی و غفلت در انجام وظایف گردد.

نمودار ۱: نحوه به کارگیری اصل مدارا



به طور کلی، روش‌های تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با متخلفان را، می‌توان از دو منظر ملاحظه نمود: نخست از جنبه مربی و دیگری از جنبه متربی. ارزیابی روش‌های تربیتی برگرفته از سیره عملی رسول مکرم اسلام نشان از این دارد که مربی در صورتی می‌تواند شیوه توافل را اتخاذ کند که در بعد مهارتی، آگاهی‌ها و توانمندی‌هایی نظیر تقویت اراده و خویش‌داری در برابر هیجانات و ناملایمات را در خود ایجاد کرده باشد و دارای صفاتی چون خویش‌داری، صبر و سعه صدر باشد تا بتواند از بروز هیجانات منفی خویش جلوگیری نماید و در مقابل متربی، رفتار سنجیده‌ای داشته باشد. همچنین در بعد شناختی نسبت به ابعاد و جوانب خطا کاملاً آگاه باشد.

همچنین در روش تربیتی عفو و گذشت، باید این نکته را از جانب مربی در نظر داشت که وی در موضع قدرت می‌تواند برخورد تنیدی با متربی داشته باشد، اما از خطای متربی می‌گذرد و با در نظر گرفتن اصل فضل، با خطای متربی رو به رو می‌شود. همچنین در برخورد مناسب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با متخلفان، اثر عفو بیشتر در بعد اجتماعی ظاهر می‌گردد و اصلاح جمعی را می‌توان نتیجه اصلی این شیوه تربیتی به شمار آورد.

در خصوص روش تخویف و تنبیه، مخاطب در این روش احساس اجبار نمی‌کند و مربی تنها با ایجاد آگاهی در متربی زمینه اجتناب از عمل را در وی ایجاد می‌کند. در واقع، انداز جهت‌گیری نسبت به عقوبتی است که برای مخالفان در نظر گرفته شده و در پی آن، توقع واکنشی از مخاطب برای انجام عمل می‌رود و به عبارت دیگر، بهره‌گیری مربی از شیوه انداز،

نقطه آغازین و محرک متربی در سمت هدایت است. البته از جنبه متربی باید توجه داشت که متربی برای آنکه بتواند با شیوه انذار به سمت هدایت حرکت کند، لازمه اش آن است که پیش از آن با تفکر و تعقل بیدار شده باشد و تا زمانی که این هوشیاری در وجود او محقق نشده باشد، انذارها در وجودش مؤثر نیست و وظیفه مربی است که بتواند با انذار و آگاه ساختن متربی نسبت به عواقب غفلت در ابعاد مختلف، زمینه تفکر و تعقل و بیدارسازی را در تمامی مراحل رشد فراهم آورد.

روش تنبیه در تربیت اسلامی وقتی است که اصل مدارا کارایی نداشته باشد؛ در این صورت، اولویت با ترک مداراست و از شیوه تنبیه استفاده می‌گردد و هدف از آن اصلاح و تربیت متربی و جایگزینی یک رفتار اشتباه با رفتار درست است و حداقل اثر بازدارندگی دارد. از جنبه مربی باید توجه داشت که این شیوه در شرایطی انجام می‌پذیرد که مربی در حالت عصبانیت و خشم نباشد و قصدش از تنبیه بدنی، تشریف خاطر خود نباشد. از این رو، صاحب جواهر تنبیه بدنی را تنها در صورتی جایز می‌داند که به قصد تربیت باشد، نه آنکه محرک آن خشم نفسانی باشد که در آن صورت مربی باید تنبیه گردد (نجفی، ۱۴۰۶؛ ۴۱/۴۶۶).

در نتیجه تمامی مراحلی که برای روش‌های تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با متخلفان بیان شد می‌توان چهار مرحله را برای این امر تصور کرد:

نخست مرحله تغافل که از خطای متربی چشم پوشی می‌شود، در مرحله بعد مربی خطای متربی را می‌بخشد و او را عفو می‌نماید، در مرحله سوم چنانچه متربی همچنان بیدار نگشته باشد از شیوه انذار و بیان عواقب کار استفاده می‌شود و در آخرین مرحله متربی مستقیماً با نتایج عملش مواجه شده و شیوه تنبیه را باید در نظر گرفت. البته در همه این مراحل سن، شرایط، چگونگی انجام خطا و شرایط آن و نیز، میزان اثرگذاری بر جامعه و نظایر آن را باید مد نظر قرار داد.

نمودار ۲: مراحل برخورد با خطای متربی



بر اساس تحلیل مفهوم آموزه‌های قرآنی، عفو و صفح آن حضرت، مربوط به مواردی بوده

که جنبه شخصی داشته است. اما اگر کسی به حد و حدود قانون دین تجاوز می‌کرد، در این صورت رسول خدا ﷺ با قاطعیت تمام در مقابلش می‌ایستاد و از اسلام دفاع می‌کرد. بنابراین نبی مکرم اسلام ﷺ، عاملان به اصطلاح امروزی «جنگ سخت» (کسانی که پیکار می‌کردند و ضربه‌های جانی وارد می‌نمودند) را می‌بخشیدند. اما در نقطه مقابل، جنایتکاران عرصه «جنگ نرم» را، از آنجایی که با باورهای مردم و جایگاه رسالت درافتاده بودند، عفو نمی‌کردند. از این رو، جایی که فرمان و امر الهی در مورد شرایطی وجود دارد و یا جنبه اجتماعی علیه دین الهی دارد که اغلب در آن سازمان‌دهی عناصر معاند است نه از جانب متریان به صورت شخصی و فردی؛ در این صورت، مدارا جایگاهی ندارد و باید با قاطعیت با فرد برخورد نمود. به عبارت دیگر، پیامبر اکرم ﷺ برای سعادت جامعه و کمال و ابلاغ پیام الهی، بر اساس این اصول عمل و رفتار می‌کردند و ملایمت و نرمی تا زمانی بود که متخلفان اصل و ماهیت اسلام را هدف قرار نمی‌دادند و هنگامی که برای اساس اسلام ضرری احساس می‌کردند، مسامحه نمی‌کردند و باتندی و شدت برخورد می‌کردند؛ چرا که دفاع قاطع از نظام مقدسات اسلامی و اصول و موازین اسلامی، لازم و واجب است. فلذا در روش‌های تربیتی پیامبر اکرم ﷺ هم روش‌های تربیتی مدارا و تغافل مشاهده می‌گردد و هم در نقطه مقابل، شیوه‌های تربیتی تنبیه و تخویف وجود دارد.

در مجموع می‌توان گفت که به دلیل جامعیت عملکرد پیامبر اکرم ﷺ و ریشه داشتن سیره‌ی ایشان در وحی و نیز، اسوه بودن آن حضرت برای تمام مسلمین، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی اتخاذ شده از سیره آن حضرت، می‌تواند در ایجاد یک ساختار قوی و نظام‌مند برای تعلیم و تربیت ما بسیار مؤثر و راه‌گشا باشد و چون نتایج پژوهش حاضر تبیین قسمت کوچکی از روش‌های تربیتی پیامبر در برخورد با متخلفان است، بدیهی است نیازمند پژوهش‌های مشابه دیگری با موضوعات روش‌های تربیتی پیامبر اکرم ﷺ هستیم تا سیره عملی و روش جامع پیامبر اکرم ﷺ در عرصه‌های مختلف روشن شود و با تبیین نقش الگویی و فرام ساختن زمینه برای الگو قرار دادن سیره‌ی پیامبر اکرم ﷺ، به عنوان برترین مربی، تکلیف خود را در تعلیم و تربیت به نحو احسن ایفا نماییم.

۷. منابع

* قرآن کریم

۱. آلوسی محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن سعد محمد، *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۳. ابن عاشور محمد بن طاهر، *التحریر و التثویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۱ ق.
۴. ابن فارس احمد، *ترتیب مقایس اللغه*، ترتیب و تنقیح: سعید رضا علی عسکری و حیدر مسجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۵. ابن منظور محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابن هشام عبد الملک، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبد الحفیظ شلبی، قاهره، ۱۳۵۷ ق.
۷. ابوزهره محمد، *خاتم پیامبران*، ترجمه حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
۸. اعرافی، علیرضا، *روش های تربیت*، قم: اشراق و عرفان، ۱۳۹۵.
۹. اعرافی علیرضا، موسوی سید نقی، کاظمی سید عنایت الله، «*تبیین اصل رفق و مدارا و بررسی مفاهیم مرتبط با آن در نظام تعلیم و تربیت اسلامی*»، تربیت متعالی، ۱ (۳)، ۷-۲۸، ۱۴۰۱.
۱۰. امینی ابراهیم، *الام و تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۷.
۱۱. باقری خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه، دهم، ۱۳۸۴.
۱۲. جعفرنژاد محمد، صدری سید محمد، باقری احمد، «*شیوه برخورد پیامبر به عنوان الگوی تربیتی در برابر خطا*»، آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، ۸ (۱)، ۲۱-۳۹، ۱۴۰۱.
۱۳. جعفری، یعقوب، «*فقه السیره نویسی شیوه ای نوین در تاریخ نگاری اسلامی*»، تاریخ در آینه پژوهش، ۷ (۱)، ۵-۲۲، ۱۳۸۹.
۱۴. خلیل بن احمد، *العین*، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق.

۱۵. دولتی، علی، اخلاق زمامداری پیامبر در برابر برخورد با مخالفین، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه فلسفه و اخلاق، دانشگاه پیام نور تهران جنوب، تهران، ۱۳۹۳.
۱۶. دانش محمد قدیر، «رسول خدا و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق»، معرفت، ش ۱۲۹، ۱۱-۲۴، ۱۳۸۷.
۱۷. دهخدا علی اکبر، لغت نامه، تهران: روزنه، ۱۳۷۳.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، بیروت: دارالعلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۹. رزاقی موسوی سید قاسم، «مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی»، معرفت، ش ۸۶، ۱۵-۲۲، ۱۳۸۳.
۲۰. سلامی مژگان، «بررسی شیوه برخورد پیامبر با منافقین»، مطالعات تاریخ و تمدن اسلام و ایران، ۱ (۲)، ۱۷-۲۸، ۱۳۹۵.
۲۱. طباطبایی محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۳. طریحی فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۴. عباسی مقدم مصطفی، «روش شناسی برخورد پیامبر با مشرکان و اهل کتاب»، فلسفه دین، ۶ (۷)، ۱۶۱-۱۸۵، ۱۳۸۹.
۲۵. فلسفی محمد تقی، اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی، تهران: معارف اسلامی، چ سوم، ۱۳۶۷.
۲۶. قائمی مقدم محمد رضا، روش های تربیتی در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۲۷. قرشی علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۸. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت- قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲.

۲۰۲ □ دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات فقه تربیتی / سال دهم / شماره ۲۰ / پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۲۹. کلینی محمد بن یعقوب، *الكافی*، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۳۰. مصباح یزدی محمد تقی، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۹۰.

۳۱. مکارم شیرازی ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.

۳۲. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

۳۳. یربئی یحیی، *تفسیر روز*، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۷.